

هراس از طرح مضامین حقیقی

محمد یعقوبی

اگر این قول مشهور را بپذیریم که هنرمند راستین فرزند زمانه‌ی خویش است و در اثر هنرمند راستین افکار و اندیشه‌های مردم زمانه‌اش متبلور است، در بیست و چند سال گذشته هنرمند ایرانی برای این که بیان‌گر فرهنگ حقیقی زمانه‌ی خود باشد با مشکلات جدی روبه‌رو بوده است. به طور مشخص در حوزه‌ی تئاتر مدیران همواره هنرمندان را به طرح مضامین مورد تایید خود سوق داده و به نوشتن درباره‌ی مضامین موردنظر خود تشویق کرده‌اند.

در دهه‌ی شصت نگرش غیرسیاسی و غیراجتماعی تشویق می‌شد، در تقابل با استقبال فراوان مخاطبان از نمایش‌های سال‌های ۵۷ و ۵۸. آنان که نمی‌خواستند مطابق میل مدیران کار کنند به اجرای نمایش‌های غیرایرانی روی آوردند.

در اوایل دهه‌ی هشتاد مدیریت شروع کرد به تشویق نمایش‌های بی‌دیالوگ و صرفاً فرمالیست بی‌دردسر در تقابل با نمایش‌های دیالوگ‌محور و اجتماعی اواخر دهه‌ی هفتاد که با استقبال فراوان مخاطبان روبه‌رو شده بود.

و در سال ۸۵ مدیریت شروع کرد به تشویق نمایش‌های غیرایرانی. ابدا مخالف اجرای نمایش‌های غیرایرانی نیستم ولی در سال گذشته شاهد اجرای نمایش‌های غیرایرانی توسط کسانی بودیم که سال‌ها ست آنان را با اجرای آثاری ایرانی می‌شناسیم و آنان در مصاحبه‌های خود اعلام کرده‌اند که علت اجرای نمایش‌نامه‌های غیرایرانی عدم تصویب نمایش‌نامه‌هایشان توسط شورای نظارت بوده است. نادربرهانی به عنوان نویسنده‌ای علاقه‌مند به طرح مسائل اجتماعی روز و حسن باستانی به عنوان نویسنده‌ای علاقه‌مند به طرح ریشه‌های تاریخی ایران نمونه‌های قابل توجه‌ای هستند برای اثبات نظرم درباره‌ی جریان هدایت‌شده‌ی سال گذشته. مخاطبان تمایل خود را به دیدن مسائل اجتماعی و به روز در سال‌های پایانی دهه‌ی هفتاد با استقبال بی‌نظیر خود از چنین نمایش‌هایی اثبات کرده بودند و چه کسی است که نداند سال ۸۵ میل فراوان مردم به شناخت ریشه‌های تاریخی خود بوده است؟

در بیست و چند سال گذشته همواره مدیران فرهنگی یک کار کرده‌اند و صرفاً مصادیق کارشان متفاوت بوده است. آنان همواره هراسان از طرح مضامین حقیقی و واقع‌بینانه‌ی هنرمندان از روزگار خود به ایجاد موانع در راه تبلور حقیقت زمانه در آثار هنرمندان همت گماشته‌اند.

محمد یعقوبی

۸۶-۱-۱۵